

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

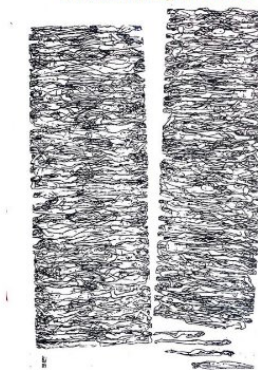
Political

سیاسی

نقد کتاب الیاس داویدسن به قلم دکتر لودویک واتسل (جولای ۲۰۱۳)
برگردان از: حمید بهشتی
۱۳ سپتمبر ۲۰۱۳

هوایما ربائی – تصور امریکا از ۱۱ سپتمبر – دلیل تحریف

Copyrighted Material
HIJACKING AMERICA'S MIND ON 9/11
Counterfeiting Evidence



Elias Davidsson

Algora

Copyrighted Material

پیش از آن که این کتاب (Hijacking Amerika's Mind on 9/11) به دستم برسد، من به روایت رسمی ۱۱ سپتمبر باور داشتم. اما اکنون که دو بار این کتاب را خوانده ام باور قبلی ام به کلی نقض شده است. من کارشناس ۱۱ سپتمبر نیستم و به هیچ گونه تئوری باطنی باور ندارم. برداشت من از ۱۱ سپتمبر ناشی از کنجکاوای من و همراه با نوعی ناباوری سالم بود. هنگامی که در آغاز با مقالاتی مواجه گشتم که روایت رسمی را به زیر سؤال می بردند، آنها را خوانده و به کناری می نهادم. اما کتاب داویدسن وضع را تغییر داد و مرا مجذوب خود نمود.

پس از آنکه من امریکا را بارها با اتو استاپ زیر پا گذاشته و در دانشگاه پنسیلوانیا در رشته روابط بین المللی نیز تحصیل کرده ام، اکنون تا اندازه ای به چگونگی تفکر جامعه امریکا پی برده ام. از جمله متوجه گشته ام که پس از هر فاجعه جدی در امریکا بلافاصله اقدام به بازرسی می شود تا به علل واقعه آگاه گردند. اگر هوایمائی سقوط کند، کمیته ملی ایمنی حمل و نقل امریکا NTSB شرایط سقوط هوایما را تشخیص می دهد: هوایما را از قطعات پراکنده در محیط دوباره سر هم می کنند و هویت آن را معین نموده، علت سانحه را دریافته و گزارشی منتشر می

سازند که در آن شرایط واقعه توضیح داده می شود. اما دولت امریکا به کمیته ملی ایمنی حمل و نقل اجازه نداد که سقوط هواپیماهای ۱۱ سپتمبر را بازرسی نماید. این بار روند معمول این کار توسط اف. بی. آی. که با مخفی کاری عمل می کند بررسی شد. در حالی که اف. بی. آی. موظف به انتشار نتیجه بررسی خود نیست. اما چرا دولت امریکا به یک چنین مخفی کاری غیر معمولی دست زد؟

کتاب الیاس داویدسن می تواند پاسخی برای این سؤال باشد. این کتاب نتیجه تحقیقات در جوانب ویژه ای از واقعه ۱۱ سپتمبر را در بر دارد که تا کنون مورد توجه قرار نگرفته اند. جنبه قوت این کتاب در آن است که نویسنده آن اکثراً به منابع اصلی تکیه می کند و به دقت نیز نام آنها را ذکر می نماید تا خوانندگان بتوانند مستقلاً درستی آنها را بررسی کنند.

اما داویدسن فقط به عرضه نمودن منابع خود کفایت نمی کند. بلکه به خوانندگان خود شمار عظیمی از مدارک اصلی را در وبسایت خویش آورده و بدینوسیله از این که خواننده مجبور به جست و جوی متون مزبور باشد، پیشگیری کرده است. این دقت غیر معمول برای تسهیل کار خواننده نشاندهنده آمادگی مؤلف به این است که داده های خود را در معرض بازرسی قرار دهد. آنچه این تحقیقات را بسیار جالب می سازد استفاده بصیرانه وی از اسناد رسمی دولت امریکاست. او با این کار خود از ایرادهائی که دولت امریکا به کار وی دارد پیشگیری نموده است. بخش بزرگی از مآخذ وی اسناد اف. بی. آی. می باشند که از آرشیو ملی امریکا NARA اخذ گشته اند.

نویسنده کتاب دلایل قانع کننده ای عرضه می کند حاکی از این که روایت رسمی وقایع مزبور آکنده از تناقضات، ناهمگونی ها، پیش آمدهای معماوار، کذبیات و دلایل تحریف شده بوده، شهود تحت فشار قرار گرفته و اخبار جعل گشته اند. یکی از بخش های اساسی کتاب مربوط به تحلیل گفت و گوهای تلفونی میان مسافران و پرسنل هواپیما با همکاران و بستگانشان می باشد. در مقایسه با آنچه در این زمینه منتشر گشته است این باید کامل ترین و بنیانی ترین تحلیل گفت و گوهای مزبور باشد و خواننده تحلیل مزبور به این نتیجه می رسد که مکالمه کنندگان بر هواپیما ربائی شهادت نداده اند. حال خوانندگان کتاب می باید خودشان تشخیص دهند که آیا آنها نیز به همین قضاوت می رسند.

الیاس داویدسن در سال ۱۹۴۱ در فلسطین در یک خانواده المانی یهودی تبار به دنیا آمد و در بیت المقدس رشد نمود، اما اکثر عمر خویش را در ایسلند گذرانده است. گذشته از روند دوگانه شغلی که ابتداء کارشناس کامپیوتر بوده و سپس به عنوان موزیک دان و آهنگساز در سال های دهه ۱۹۹۰ به حقوق بین الملل و مقالات حقوقی در نشریات مربوط به حقوق بین الملل، حقوق بشر و حقوق جزائی بین المللی رو نمود، در سال ۲۰۰۲ بر اثر مشاهده ناهمگونی هائی در روایت رسمی ۱۱ سپتمبر به بررسی وقایع مزبور آغاز نمود. کتاب حاضر نتیجه این مطالعه ده ساله می باشد. این کتاب در ۴ بخش فصل بندی شده است. سبک آن پیچیده نبوده و بسیار خواندنی است.

کتاب داویدسن اولین کتابی است که فارغ از هر شکی نشان می دهد که هیچ دلیلی برای این ادعا وجود ندارد که هواپیماربایان مسلمان در ۱۱ سپتمبر به این کار اقدام کرده باشند. او همچنین نشان می دهد که مأموران امریکائی غافل بوده اند از این که هویت قطعات هواپیمای سقوط شده یا هواپیماهائی که مدعی سقوط آنها هستند را تشخیص دهند. داویدسن با تحلیل بسطی که ارائه داده است خواننده را دعوت می کند خودش تشخیص دهد که کدام تئوری را در باره حاصل گفت و گوهای تلفونی بپذیرد.

نویسنده پیش از آن که خوانندگان به ردیابی پیچیده واقعه بپردازند به آنها نشان می دهد که با چه سرعت غیر قابل باوری روایت رسمی ۱۱ سپتمبر به وجود آمد. اخبار CBS در عرض ۱۵ دقیقه اسامه بن لادن را به عنوان عامل مشکوک اصلی مطرح نمود و قریب به ۲۰ دقیقه پس از دومین هواپیمائی که اصابت نمود رئیس جمهور امریکا،

بوش، اعلام کرد که امریکا مورد حمله قرار گرفته است. با این که وی نمی توانست کوچکترین دلیلی از ارتباط نیروهای اجنبی با وقایع مزبور داشته باشد. دیگر این که تشخیص چگونگی واقعه ۱۱ سپتمبر توسط یک کار تحقیقاتی انجام نگشت، بلکه ۲۴ ساعت پس از وقوع توسط کنگره امریکا مطرح گشت. داویدسن با اشاره به اظهارات سناتور لوت Lott نشان می دهد که قطعنامه کنگره در همان روز وقوع حادثه تهیه گشته است. در نظر نویسنده کتاب، ۱۱ سپتمبر چیزی به جز یک اقدام هماهنگ تبلیغاتی همانند اجرای یک ارکستر نبوده است. رهبران ارکستر ۱۱ سپتمبر می باید دانسته باشند که این وقایع که به طور زنده از تلویزیون پخش می شد موجب یگانگی ملت امریکا خواهد بود و همینطور هم شد. نقش رسانه های امریکا و اروپا در پخش روایت ۱۱ سپتمبر روشن است. رسانه های معروف، به عمد یا مطابق معمول اطلاعات قطعی را که روایت رسمی را به زیر سؤال می بردند ناگفته گذاشتند. از جمله این را که اف. بی. آی. در سال ۲۰۰۶ اعتراف نمود که هیچ دلیل مشخصی برای ارتباط میان اسامه بن لادن و ۱۱ سپتمبر وجود ندارد.

حال باید دید آیا ممکن است نتیجه تحقیقات داویدسن را به زیر سؤال برد؟ در پاسخ، این اعتراض را می توان مطرح نمود که در یک چنین جنایت عظیمی مانند ۱۱ سپتمبر که مردم بسیاری در آن سهیم بوده اند مخفی کاری ممکن نیست. در ادامه استدلال مزبور حداقل می بایست یکی از این همه افراد سهیم در واقعه تا کنون مطلب را لو داده باشد. حال ببینیم این رویکرد تا چه حد می تواند مصداق داشته باشد. اصلاً لودادن یعنی چه؟ و احتمال این که کسی لوداده باشد چقدر است؟

ابتدا باید بدانیم که توطئه های دولتی همواره در خفا نمانده، گاهی توسط دانشمندان یا تاریخ نویسی افشاء می گردند. اما تا زمانی که بر ملا شدن ها فقط در سطح نوشتجات علمی باقی بمانند و از جانب رسانه های اصلی بدانها توجهی نگردد در افکار عمومی به تئوری توطئه تعبیر می گردند. برای مثال به چند مورد اشاره می کنیم.

در جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ امریکا و اسرائیل مشترکاً و به نحوی مزورانه کوشیدند کشتی جاسوسی امریکائی موسوم به USS-Liberty را در سواحل اسرائیل غرق نمایند. امریکائیان نجات یافته در این ماجرا تا همین امروز نیز می کوشند تا این توطئه مشترک امریکا و اسرائیل را در افکار عمومی مطرح نمایند، اما موفقیتی به دست نمی آورند. در حالی که حقایق مربوطه به دقت تمام توسط یک روزنامه نگار انگلیسی بنام پیتر هونم که با نجات یافتگان و افراد دخیل در واقعه مصاحبه هائی داشته است مستند، گشته اند. آنچه آنجا در حقیقت به وقوع پیوست برای کسانی که می خواهند آگاه شوند آشکار است، اما همچنان برای افکار عمومی مخفی می ماند.

عملیات گلابیو از فعالیت های تروریستی خبر می دهد که در خفا توسط سازمان های جاسوسی ایتالیا، بلژیک، یونان، ترکیه و احتمالاً المان نیز در حین جنگ سرد به انجام رسیدند. این فعالیت مرگبار به گونه ای صورت گرفت که عامل عملیات تروریستی مزبور گروه های چپ به نظر آیند. عملیات مزبور ۴۰ سال تمام در اروپای غربی مخفی ماند، بدون این که کسی آن را لو دهد. اما در سال ۱۹۹۰ نخست وزیر وقت ایتالیا، ژولیو آندریوتی، هنگامی که در پارلمان ایتالیا سخن می گفت آن را به آگاهی عموم رساند. با این حال این نیز موجب انتشار آن نگشت. زیرا رسانه های بزرگ خبر آن را به اطلاع مردم نرسانند. در نتیجه اکثر اروپائیان که شامل بر فارغ التحصیلان دانشگاه ها، روزنامه نگاران و سیاستمداران نیز می شود نسبت به این توطئه مرگبار که توسط دولتشان صورت گرفته است آگاه نیستند. و البته کسانی که از این عملیات آگاه نیستند کوشش خواهند کرد با استفاده از عبارت تئوری توطئه آن را به کناری نهند.

علاوه بر آن می باید به نحوه عملی کردن عملیات های مخفیانه توجه داشت. عملیات های مخفیانه همواره بر اساس اصل «احتیاج به آگاهی» سازماندهی می گردند. میثانیل روپرت که یکی از محققان ۱۱ سپتمبر می باشد نوشته است: «دولت امریکا از اسرار پروژه مانهاتن گرفته تا بمب افکن ضد رادار را مسکوت گذاشته است، علی رغم این که هزاران تن از آنها آگاه بودند. موفقیت امریکا در مخفی نگاه داشتن مطالب مربوط به بمب اتمی و بمب افکن ضد رادار یا مربوط به سایر عملیات های مخفیانه در تجزیه نمودن وظایف مربوط بدانهاست. یک تکنیسین در تئسی که در ۱۹۴۳ سنگ اورانیوم را تغلیظ می نمود، هیچگونه اطلاعی از نوع استفاده از آن نمی توانست داشته باشد و همچنین هیچگونه عذاب وجدانی نیز نسبت به کشته شدگانی که به دنبال واقعه مربوط به اورانیوم بوده باشد، نداشته است و یک تکنیسین دیگر در اوهایو که در ۱۹۸۵ مواد مربوط به تولید رنگ polimer harz را با هم مخلوط می کرده نمی توانسته بداند که هواپیماهای F117A چگونه بوده و چطور مورد استفاده قرار می گیرند.»

بسیاری بر این باورند که یک مأمور دولتی که بر عملکردهای فراقانونی اداره متبوع خویش آگاه باشد بی درنگ پولیس یا روزنامه نگاران را مطلع می سازد. اما در واقع چنین نیست. بر ملا نمودن جنایات حکومتی جرأت بسیار می خواهد و با خطرات فراوان همراه است. شخص افشاء کننده دستکم به لحاظ شغلی با مشکلاتی مواجه خواهد گشت. همچنین ممکن است که امنیت یا جان او نیز در معرض خطر قرار گیرند. حتا افشاءگر بی باک نیز نمی تواند مطمئن باشد که افرادی که به آنها اعتماد کرده است تا موضوع را به اطلاع همگان برسانند، اطلاعات مزبور را حذف ننموده و او را به مأموران ارشدش لو ندهند. به خاطر داشته باشیم که با برادلی مینینگ، با ادوارد سنودن یا ژولیان آسانژ چه کردند. متأسفانه اکثر مردم حتا به خود اجازه نمی دهند ابتدائی ترین پرسش ها را در باره ۱۱ سپتمبر مطرح نمایند. زیرا بیم دارند مذموم گشته و یا حتا شغل خویش را از دست دهند. احساس مسؤولیت ناشی از آگاهی شهروندی امری نادر است.

الیاس داویدسن در جمع بندی مطالبش به معیارهای حقوق بشری اشاره می کند که بر اساس آنها بستگان قریبانیان ۱۱ سپتمبر حق دارند آگاه شوند از این که بر سر بستگانشان چه آمده است و بر اجتماع چه ضایعاتی وارد گشته است و این که عاملین، طراحان و واسطگان کشتار جمعی شناسائی شده ، به دادگاه کشانده و محکوم گردند. وی علاوه بر این کوشش برای پخش آگاهی در باره شرایط واقعه ۱۱ سپتمبر را دارای ویژگی انقلابی می داند. زیرا این روشنگری منجر به آگاهی نسبت به شکست مؤسسات و ادارات ما (امریکا) می گردند که حقایق مربوط به این واقعه جنایت بار را پرده پوشی می کنند.

کتاب داویدسن برای ایجاد آگاهی نقادانه بر وقایع ۱۱ سپتمبر نوشته نشده است. هدف این کتاب اشاره نمودن به کسانی است که بر ناهماهنگی های عظیم روایت رسمی آگاهی دارند. کتاب مزبور برای کسانی نوشته شده است که دل نگران تحول آهسته ای می باشند که دموکراسی غرب را به جانب حکومت پولیسی سوق می دهد و برای کسانی است که با جنگ هائی که از جانب امریکا و متحدانش صورت می گیرند، مخالف اند.

برگرفته از تلاکسکالا